رویکرد

طرح جایگزین روسیه علیه تحریم غرب کارکرد

سیدرحیم لاری

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه روز پنج‌شنبه ۹ژوئن و در واکنش به تحریم‌های گسترده غرب و به ویژه تحریم نفت و گاز روسیه گفت که غرب قادر نخواهد بود استفاده از منابع انرژی روسیه را طی چند سال آینده کاملاً متوقف کند و شرکت‌های روسی چاه‌های نفت خود را نمی‌بندند. او که در یک برنامه تلویزیونی و برای دیدار با برخی از کارآفرینان جوان شرکت کرده بود، گفت: «درست است که غرب تلاش می‌کند منابع انرژی ما را کنار بگذارد، اما این کار طی چند سال آینده میسر نخواهد بود. مشخص نیست طی این سال‌ها چه اتفاقاتی می‌افتد، بنابراین چاه‌های نفت ما بسته نخواهند شد.» این سخن او بعد از این بود که روسیه در ماه آوریل کاهش ۹درصدی تولید نفت داشت اما بعداً توانست نه تنها این کاهش را جبران کند بلکه به افزایش تولید نیز برسد و به نظر می‌رسید که پوتین با توجه به این نزول و صعود بود که با اطمینان خاطر در مورد عدم‌تأثیر تحریم‌های غرب بر صنعت انرژی روسیه می‌گفت. حالا آمارها نشان می‌دهند وضعیت چندان تغییری نکرده و روسیه به رغم تحریم‌ها به فروش نفت و گاز خود ادامه می‌دهد.

بازارهای جدید

شکی نیست که یافتن بازارهای جایگزین راه‌حل اساسی مسکو برای مقابله با تحریم‌های غرب علیه نفت و گاز روسیه بود. همان گونه که از قبل انتظار می‌رفت، چین اصلی‌ترین بازار جایگزین برای روسیه است. خبرگزاری رویترز در ۲۲آگوست گزارشی منتشر کرد که طبق آن، روسیه برای سومین ماه متوالی در جایگاه بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین قرار گرفت. گزارش رویترز بر مبنای داده‌های اداره کل گمرک چین بود که نشان می‌داد عرضه نفت روسیه به چین از طریق خط لوله سیبری شرقی و محموله‌های دریایی در مجموع ۷/۱۵میلیون تن بوده که ۷/۶درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. به این ترتیب، روسیه توانسته است طی این مدت جای عربستان سعودی به عنوان اولین صادرکننده نفت به چین را بگیرد و طبق داده‌های اداره گمرک چین، صادرات نفت روسیه به چین از ابتدای سال جاری میلادی و به طور میانگین ۱/۷میلیون بشکه در روز بوده است. نکته قابل توجه این است که افزایش صادرات نفت روسیه به چین بر مبنای شراکت استراتژیک، بین این دو کشور انجام می‌شود که درست چند روز قبل از حمله روسیه به اوکراین طی بیانیه مشترک رهبران دو کشور به صورت رسمی اعلام شد. هند بازار جایگزین دیگر روسیه بود که بنا بر گزارش بلومبرگ در سال گذشته، عراق و عربستان سعودی اولین و دومین صادرکننده نفت به هند بودند و روسیه در این جدول رتبه نهم را داشت. این وضعیت بعد از جنگ اوکراین به سرعت تغییر کرد، به نحوی که روسیه با ۱۰برابر کردن صادرات نفت خود به هند و عرضه بیش از یک‌میلیون بشکه نفت در روز به این کشور، جای عربستان سعودی را در این فهرست بگیرد. به این ترتیب، روسیه با پیش‌بینی تحریم‌های غرب از قبل بازارهای جایگزین را برای صادرات نفت خود در نظر گرفته بود و توانست بعد از یک افت ۹درصدی کوتاه‌مدت به سرعت این افت را جبران کند.

درآمدهای بیشتر

الینا ریباکووا، اقتصاددان و معاون رئیس مؤسسه مالی بین‌المللی می‌گوید: «روسیه غرق در پول نقد است.» به گفته وی، مسکو تا ژوئیه امسال ۹۷میلیارد از فروش نفت و گاز به دست آورده که حدود ۷۴میلیارد دلار آن به واسطه فروش نفت بوده است. آمار آژانس بین‌المللی انرژی در ماه جولای نشان می‌دهد روسیه روزانه ۷/۴میلیون بشکه در روز نفت خام و محصولاتی مانند گازوئیل و بنزین صادر کرد و با وجود اینکه در ابتدای سال حدود ۶۰۰هزار بشکه در روز کاهش فروش داشت اما باز درآمد نفتی آن افزایش داشته است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد روسیه در سال جاری میلادی به طور متوسط ماهانه ۲۰میلیارد دلار درآمد داشته است، در حالی که این درآمد ماهانه آن در سال گذشته و قبل از حمله به اوکراین، به طور متوسط ۱۴/۶میلیارد دلار بود. شرکت آنالیتیک فورتکسا نیز که حمل و نقل دریایی نفتکش‌ها را رصد می‌کند، گزارش داده محموله‌های نفتی روسیه در ماه گذشته میلادی افزایش داشته است. افزایش درآمد و محموله‌های نفتی با ابزارهای مختلف روسیه از جمله یافتن بازارهای جایگزین، ابزارهای جدید پرداخت، تاجران جدید و راه‌های جدید در تأمین مالی صادرات نفت انجام شده است. از سوی دیگر، باید به نیاز مداوم بازار به نفت نیز توجه کرد که به گفته سرگئی واکوالنکو، تحلیلگر و مدیر سابق انرژی در روسیه: «واقعیت این است که جهان به نفت نیاز دارد و هیچ کس آنقدر شجاع نیست که بتواند ۷/۵میلیون بشکه نفت در روز و محصولات نفتی روسیه را تحریم کند.» از این رو، تحریم نفت روسیه از سوی امریکا و اروپا باعث قطع صادرات آن نشد بلکه مسیر صادرات را تغییر داد و از مقصد اروپایی و تا اندازه‌ای امریکایی، به سمت بازارهای آسیایی هدایت شد که عمدتاً در مناقشه غرب با روسیه بر سر اوکراین موضع بی‌طرفانه‌ای داشته و حاضر به حمایت از غرب نشده‌اند.

> پوتین در حالی که نه تنها از تحریم‌های نفتی غرب جان به در برده و حتی درآمدهای نفتی‌اش افزایش یافته بلکه حالا منتظر زمستان سخت اروپاست تا اینکه دست برتر را برای چانه‌زنی با غرب بر سر اوکراین داشته باشد

تغییر در بازار

طراحان تحریم نفت روسیه در امریکا و اروپا چنین تصور می‌کردند که با اعمال تحریم‌ها می‌توانند صادرات نفت روسیه را دست‌کم تا ۳میلیون بشکه در روز کاهش دهند. آمارها از میزان صادرات و درآمدهای نفتی روسیه نشان می‌دهد آنها حتی نزدیک به این هدف نیز نشده‌اند. در واقع، چیزی که آنها پیش‌بینی نمی‌کردند ابزارهای کارآمدی است که می‌تواند تأثیر تحریم‌های آنها را خنثی کند. یکی از این ابزارها تغییر از مؤسسات مالی بزرگ به متوسط برای فروش نفت روسیه است. در واقع، تحریم‌های غرب باعث شده است شرکت‌هایی مانند شرکت نفتی گلنکور پی‌ال‌سی یا شرکت چندملیتی گانور از بازار نفت روسیه خارج شوند و دیگر مدیریت نفت تولیدشده روسیه را در بازارهای جهانی به عهده نگیرند اما این خروج باعث شده است جا برای شرکت‌ها و تجار کوچک‌تر باز بشود. آنها برای دور زدن تحریم‌های غرب، کارمندان خود را به دوبی و سنگاپور فرستاده‌اند تا اینکه به دور از تحریم‌ها بتوانند با شرکت روس‌نفت وارد معامله بشوند. روسیه نیز دیگر مثل سابق جزئیات مربوط به فروش خود و عوامل دخیل در آن را منتشر نمی‌کند تا اینکه معلوم نشود نفت این کشور به کجا می‌رود و چه کسی آن را حمل می‌کند. جابه‌جایی نفت در دریا، ذخیره نفت در منابع واسطه‌ای و پالایش نفت روسیه به محصولات نفتی از قبیل بنزین و گازوئیل توسط کشورهایی مثل چین و ترکیه و صادرات آن به کشورهای غربی از دیگر تغییراتی است که روسیه در بازار نفت خود ایجاد کرده است تا اینکه بتواند تأثیر تحریم‌های غرب را خنثی کند.

جنگ انرژی در زمستان

باید گفت که جنگ انرژی بین غرب و روسیه هنوز به اوج خود نرسیده است و باید دید این جنگ در زمستان و اوج نیاز جهانی به انرژی چگونه خواهد بود. اتحادیه اروپا از پنجم دسامبر مرحله دیگری از تحریم نفت روسیه و مجازات بیمه و تأمین مالی محموله‌های نفتی روسیه را اعمال خواهد کرد. هدف تعیین سقف قیمت بر محموله‌های نفتی روسیه است تا اینکه درآمدهای آن کاهش بیابد. در مقابل، روسیه از هم اکنون جنگ انرژی با غرب را در عرصه گاز مورد نیاز اروپا پیش می‌برد. بسته شدن خط لوله نورد استریم ۱ می‌تواند ضربه آزمایشی روسیه در این نبرد باشد که چشم‌انداز سختی را برای زمستان اتحادیه اروپا نشان می‌دهد. در واقع، اتحادیه اروپا به سختی تلاش می‌کند تا با استفاده از منابع گازی شمال آفریقا و خاورمیانه جایگزینی برای گاز وارداتی روسیه به دست آورد اما باید گفت که جدای از هزینه‌ها و مشکلات در زیرساخت‌های لازم، بعید است اتحادیه اروپا بتواند ۶۲/۸درصد گازی را که قبل از جنگ اوکراین از طریق روسیه به دست می‌آورد، با منابع گازی جایگزین تأمین کند. تأثیر این شرایط هم‌اکنون و با افزایش مداوم قیمت گاز در اروپا دیده می‌شود تا جایی که برخی تحلیلگران قیمت‌سرسام‌آور گاز برای این قاره را همچون قیمت نفت بشکه‌ای ۵۰۰ دلار می‌دانند، بنابراین پوتین در حالی که نه تنها از تحریم‌های نفتی غرب جان به در برده و حتی درآمدهای نفتی‌اش افزایش یافته بلکه حالا منتظر زمستان سخت اروپاست تا اینکه دست برتر را برای چانه‌زنی با غرب بر سر اوکراین داشته باشد.

چشم‌انداز

ماراتن نفسگیر روسیه و اروپا بر سر انرژی

دکترسیدرضا میرطاهر

بار خداد جنگ اوکراین که از فوریه ۲۰۲۲ آغاز شده و تحریم‌های بی‌سابقه غرب علیه روسیه از جمله در زمینه تحریم‌های نفتی و گازی، اکنون جنگ انرژی بین دو طرف در حال وقوع است. اتحادیه اروپا بدون توجه به واقعیات و الزامات بیرونی، صرفاً در راستای خواسته امریکا که همواره بر طبل دشمنی با روسیه می‌کوبد، تلاش مستمری را برای افزایش حوزه تحریم‌های روسیه به حوزه انرژی صورت داده است. در مقابل روسیه در واکنش به تحریم نفتی خود و نیز اقدامات برخی کشورهای اروپایی برای کاهش یا قطع واردات گازی از این کشور، در اقدامی متقابل به عناوین مختلف صادرات گازی خود را به اروپا به ویژه از طریق خط لوله گازی نورد استریم ۱ به شدت کاهش داده و اکنون تأمین گاز برای اروپا به معضلی جدی تبدیل شده است. اروپایی‌ها که انواع تحریم‌ها را برای تحت فشار قرار گذاشتن روسیه در جنگ اوکراین وضع کرده‌اند، مسکو را متهم می‌کنند از گاز به عنوان سلاح جنگی استفاده می‌کند.

سیاستی ناکام

امریکا و متحدان غربی آن در واکنش به حمله روسیه به اوکراین، تحریم‌های گسترده‌ای را علیه مسکو در همه ابعاد ممکن اعمال کردند. از جمله مهم‌ترین این تحریم‌ها، تحریم بخش انرژی بوده است. کشورهای غربی امیدوار بودند با اعمال گسترده این تحریم‌ها به ویژه کاهش واردات نفت و گاز، روسیه را تحت فشار قرار داده و جنگ اوکراین را مدیریت کنند، اما این پیش‌بینی‌ها و سیاست‌های غرب به واقعیت نپیوست و در واقع خود گرفتار همان ترفندهایی شدند که به وسیله آنها می‌خواستند روسیه را زمینگیر کنند. اکنون کشورهای اروپایی به ویژه در زمینه تأمین گاز با مشکل بسیار جدی روبه‌رو هستند و با توجه به فرا رسیدن فصل سرما هر یک به دنبال رایزنی با دیگر کشورهای صادرکننده نفت و گاز هستند. در برهه کنونی با نزدیک‌تر شدن به روزهای سرد زمستان، نگرانی کشورهای اروپایی برای تأمین انرژی مورد نیاز ساکنان این قاره افزایش یافته است. سران کشورهای اروپایی در حال رایزنی با کشورهای تأمین‌کننده انرژی هستند تا شاید بتوانند کمبود گاز وارداتی از روسیه را جبران کنند. در این زمینه می‌توان به سفر امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به الجزایر و رایزنی برای افزایش صادرات گاز از این کشور به فرانسه اشاره کرد. مورد دیگر در این زمینه رایزنی و مذاکرات آلمان با قطر و کانادا برای تأمین گاز طبیعی مایع بوده است. همچنین امانوئل مکرون نیز پس از قطع صادرات گاز روسیه به فرانسه، تشکیل نشست شورای دفاعی این کشور را خواستار شده است. دولت فرانسه امیدوار است با اتخاذ چنین تصمیماتی، موضوع افزایش سرسام‌آور قبوض برق و گاز در این کشور را به مسائل امنیت ملی و دفاعی گره بزند تا امکان برخورد با اعتراضات اجتماعی را فراهم کند؛ اعتراضاتی که پیش‌بینی می‌شود در فصل سرد زمستان از راه برسد. نگرانی‌های مشابهی درباره بروز ناآرامی‌های گسترده در آلمان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا وجود دارد.

آشکار شدن پیامدها

با توجه به کمبود منابع انرژی به ویژه گاز، قیمت همه موارد وابسته به گاز از جمله بهای برق مصرفی نیز به شدت افزایش یافته است و بسیاری از شهروندان این کشورها دیگر قادر به پرداخت قبض‌های گاز و برق خود نیستند. نتایج به دست آمده از بررسی‌های شرکت پژوهش بازار آلمان نشان می‌دهد، بحران انرژی و نرخ بالای تورم در این کشور، اعتماد مصرف‌کنندگان به قدرت خرید را به پایین‌ترین سطح در ۳۰سال اخیر کاهش داده است. به این ترتیب هر قدر هزینه‌های مواد غذایی و انرژی بیشتر شود، قدرت مالی اروپایی‌ها برای دیگر مصارف کمتر خواهد شد. دولت انگلیس نیز اعلام کرد که از اکتبر ۲۰۲۲، بهای برق و گاز مصرفی خانوارهای این کشور تقریباً دوبرابر خواهد شد. بر این اساس، هر خانوار بریتانیایی بابت مصرف سالانه گاز و برق ۳هزار و ۵۴۹ پوند خواهد پرداخت. این هزینه تاکنون هزار و ۹۷۱ پوند بوده است. به این ترتیب باید گفت که شرایط در همه کشورهای اروپایی بحرانی است و به همین دلیل توصیه‌های دولت‌های اروپایی برای صرفه‌جویی انرژی افزایش یافته است.

اقدامات متقابل روسیه

پیش از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، مسکو یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان گاز به اروپا بود، به طوری که حدود ۴۰درصد گاز مصرفی کشورهای اتحادیه اروپا از روسیه تأمین می‌شد، صادرات گاز به اروپا را کاهش داده است، به طوری که اکنون کشورهای اروپایی نگران تأمین سوخت خود در زمستان هستند. همچنین با افزایش قیمت حامل‌های انرژی اقتصاد اروپا به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است. مقامات روسیه بر این امر تأکید می‌کنند که با توجه به کاهش ذخایر گازی در اروپا بهای هر هزار مترمکعب گاز به ۵هزار یورو افزایش پیدا خواهد کرد که این مسئله به مثابه زلزله‌ای برای اقتصاد کشورهای اروپایی خواهد بود، حتی در برهه کنونی نیز بسیاری از مشاغل به علت گران شدن برق در معرض تعطیلی هستند و بسیاری از شهروندان اروپایی قادر به پرداخت قبوض برق و گاز نیستند. این شرایط مقامات کشورهای مختلف اروپایی را نگران آغاز اعتراضات اجتماعی کرده است. به رغم این شرایط و ادامه سیاست‌های تحریمی اروپا، سران کشورهای اروپایی در تلاش هستند روسیه را مقصر این شرایط نشان دهند. مقامات اروپایی مدعی هستند مسکو از گاز به عنوان سلاح جنگی استفاده می‌کند و جنگ گازی به راه انداخته است.

> کشورهای اروپایی در حالی با بحران انرژی و افزایش بی‌سابقه بهای گاز مواجه هستند که از نظر اقتصادی نیز به شدت دچار مشکل شده‌اند. رشد اقتصادی در اکثر کشورهای اروپایی متوقف و با افزایش قیمت تمام‌شده محصولات، صادرات آنها نیز احتمالاً کاهش خواهد یافت

موضع روسیه

مقامات روسیه همواره چنین ادعاهای اروپایی‌ها درباره جنگ گازی از جانب مسکو را رد کرده‌اند. «دیمیتری پسکوف» سخنگوی ریاست جمهوری روسیه اعلام کرد: «مسکو علاقه‌ای به قطع کامل عرضه گاز به کشورهای اروپایی ندارد. مسکو مسئول تأمین گاز اروپاست و صرف نظر از آنچه در کمیسیون اروپا، در پایتخت‌های اروپایی و در اما با آغاز جنگ و وارد شدن کشورهای اروپایی به حمایت از اوکراین، این کشورها تحریم‌های مختلفی را علیه روسیه وضع کردند. تحریم بخش انرژی روسیه با قطع خرید نفت از طریق دریایی و نیز کاهش خرید گاز از این کشور نیز نخستین بار توسط مقامات اروپایی و با هدایت و خواست امریکا مطرح و اجرایی شد. در واقع مقامات اروپایی با وضع تحریم‌های اقتصادی سعی کردند روسیه را در جنگ اوکراین تحت فشار قرار دهند اما این سیاست در قبال اروپا تاکنون نتیجه عکس داده است. مسکو در واکنش به تحریم‌های روسیه، با عنوان کردن مسئله عدم‌تأمین تجهیزات و قطعات مورد نیاز برای تعمیر خطوط لوله به ویژه توربین‌های گازی، امریکا گفته می‌شود، روسیه کشوری بوده، هست و خواهد بود که تا حد زیادی امنیت انرژی اروپا را تضمین می‌کند.» وی در عین حال هشدار داد که در صورتی که اروپا به مسیر خود در اعمال محدودیت‌ها و تحریم‌ها ادامه دهد، اوضاع کاملاً متفاوت خواهد شد. «کوین بوک» کارشناس انرژی می‌گوید: وضعیت فعلی برای گاز طبیعی مثل دهه ۱۹۷۰ برای نفت است. دنیا اکنون همان طوری درباره گاز فکر می‌کند که زمانی درباره نفت فکر می‌کرد و نقش اساسی که گاز در اقتصادهای مدرن و نیاز برای تأمین و متنوع کردن منابع تأمین انرژی ایفا می‌کند، بدیهی‌تر شده است.

جمع‌بندی

کشورهای اروپایی در حالی با بحران انرژی و افزایش بی‌سابقه بهای گاز مواجه هستند که از نظر اقتصادی نیز به شدت دچار مشکل شده‌اند. رشد اقتصادی در اکثر کشورهای اروپایی متوقف و با افزایش قیمت تمام‌شده محصولات، صادرات آنها نیز احتمالاً کاهش خواهد یافت. این روند، نگرانی مقامات اقتصادی اروپا را نیز دامن زده است. انجمن صنایع کود شیمیایی اروپا در این زمینه هشدار داد که ۷۰درصد تولید در اروپا به دلیل قیمت بالای گاز کاهش یافته و این نشان‌دهنده تأثیر بسیار منفی بحران انرژی بر صنایع اروپایی است. در صورت ادامه این روند، اروپا جایگاه خود را در بازارهای جهانی به رقبا واگذار خواهد کرد که این موضوع جایگاه سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا را در سلسله‌قدرت جهانی تغییر خواهد داد. کارشناسان اقتصادی معتقدند آثار و پیامدهای اقتصادی ناشی از جنگ اوکراین بر کشورهای غربی به خصوص آلمان طولانی‌مدت خواهد بود و بیش از ۲۰سال ادامه خواهد داشت. شرایط کنونی اروپا، در واقع حاصل همراهی این کشورها با سیاست‌های امریکا در حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه است. بهای این همراهی را شهروندان اروپایی با کاهش شدید رفاه و نیز تورم شدید و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازند. آنها با کاهش خدمات اجتماعی، بحران انرژی، افزایش بهای سوخت و مواد غذایی و تورم بی‌سابقه دست به گریبان هستند و چشم‌انداز نامطلوبی نیز در زمستان ۲۰۲۲ در انتظارشان است.

دورنما

ترس دموکرات‌ها از پیروزی مجدد ترامپ

سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

تلاش دموکرات‌ها در کنگره برای پیگیری پرونده شورش ششم ژانویه و حمله هواداران افراطی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق امریکا به کنگره به آن نتیجه دلخواهشان نرسید. آنها با تشکیل دادن کمیته‌ای ویژه برای پیگیری این پرونده به دنبال این بودند که پای ترامپ را به این موضوع بکشانند تا ثابت کنند او این شورش را رهبری کرده یا دست‌کم اینکه نقش داشته است تا بتوانند مانع کاندیداتوری او برای انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۲۴ بشوند. آنها موفق نشدند و شبکه خبری سی‌ان‌ان در ۱۵ ژانویه و به نقل از برخی نزدیکان ترامپ گزارش داد که او احتمالاً در ماه سپتامبر و در روز کارگر تصمیم خود را برای اعلام کاندیداتوری علنی خواهد کرد. با وجود اینکه چند هفته‌ای تا ۲۷سپتامبر و روز کارگر باقی مانده است اما بسیاری از تحلیلگران و از جمله دموکرات‌ها از هم اکنون نگران این هستند که ریاست جمهوری آینده ترامپ به چه صورت خواهد بود.

دموکراسی غیرلیبرال

یک وجه از ریاست جمهوری آینده ترامپ تحت عنوانی گفته می‌شود که به واسطه نخست وزیر ویکتور اوربان در مجارستان بر سر زبان‌ها افتاده است. او مسیر خود را به نام «دموکراسی غیرلیبرال»، (illiberal-mocracy) می‌خواند و به نظر می‌رسد حالا ترامپ و هواداران پروپاقرصش در جنبش دوباره امریکا بزرگ کن (ام‌ای‌جی‌ای) Make America Great Again ، (MAGA)، «الگوی خود را برای ریاست جمهوری آینده وی پیدا کرده‌اند. اوربان نه با یک کودتای نظامی به قدرت رسیده و نه اینکه تبانی و توطئه رقبا را حذف کرده است. مسیر او از طریق دموکراسی و جلب آرای عمومی بوده اما در این مسیر، او و حزبش به نام فیدس با یک منطق پوپولیست قدرتمند موجودیت سیاسی مجارستان را از درون تغییر داده‌اند. آنها رسانه‌ها را تحت مقررات سیاسی قرار داده‌اند، قضاتی را منصوب کرده‌اند که رأی‌شان همسو با خط مشی اوربان و فیدس باشد و رسانه‌ها را یا خریده‌اند یا به ورشکستگی کشانده‌اند. مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و کمک‌های انتخاباتی در ارزیابی خود نسبت به مجارستان اعلام کرده تمامی شاخص‌های دموکراسی از زمان به قدرت رسیدن فیدس کاهش یافته است. به نظر می‌رسد حالا ترامپ و هوادارانش در جنبش ام‌ای‌جی‌ای نقشه راه خود را در الگوی «دموکراسی غیرلیبرال» اوربان و حزب فیدس وی یافته‌اند، چنان که اوربان یکی از مدعوین اصلی در کنفرانس اقدام سیاسی محافظه‌کار (سی‌پی‌ای‌سی)، Conservative Political Action Conference (CPAC) در ماه آگوست بود و ترامپ نیز در ستایش از اوربان چیزی کم نگذشته و او را به عنوان «رهبری قدرتمند و محترم از هر جهت» نامیده و مورد ستایش قرار داده است.

پاکسازی گسترده

حالا مسئله این است که حتی در صورت پیروزی بی‌سروصدای ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، او چگونه خواهد توانست نسخه امریکایی از «دموکراسی غیرلیبرال» را محقق کند. اولین اقدام می‌تواند دادن پست‌های کلیدی به کسانی باشد که ترامپ تردیدی به وفاداری آن نداشته باشد. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در اوایل نوامبر برای این منظور اهمیت خاصی دارد. اگر جمهوری‌خواهان بتوانند دوباره اکثریت این مجلس را به دست بگیرند، آنگاه ترامپ می‌تواند امیدوار باشد به اینکه دو سال بعد و احتمالاً با ورود مجدد به کاخ سفید می‌تواند یاران باوفای خود را برای تصاحب پست‌های کلیدی به مجلس سنا معرفی کند و مطمئن از نظر مثبت این مجلس باشد. او با انتصاب این افراد بی‌شک برنامه‌ای گسترده برای پاکسازی دستگاه‌های اصلی از کسانی خواهد داشت که یا متعلق به جبهه مخالف هستند یا اینکه در وفاداری آنها شک و تردید دارند. جفری کلارک می‌تواند یکی از این افراد باشد؛ وکیلی در وزارت دادگستری که بخش محیط زیست و منابع طبیعی آن را اداره می‌کرد و بعد از انتخابات سال ۲۰۲۰ عامل ترامپ برای فشار آوردن بر جفری روزن، وزیر دادگستری وقت بود تا اینکه او را متقاعد به ادعاهای ترامپ در مورد تقلب در انتخابات تحت فشار قرار دهد و وقتی هم که روزن حاضر به پذیرش این ادعاها نشد، ترامپ تصمیم گرفت کلارک را به جای روزن منصوب کند. شکی نیست که حضور کلارک در رأس وزارت دادگستری در ریاست جمهوری آینده ترامپ به معنای یک پاکسازی گسترده در این وزارتخانه خواهد بود و ترامپ افرادی مثل کلارک برای دیگر وزارتخانه‌ها دارد تا بتواند دموکراسی غیرلیبرال خود را با یک خانه‌تکانی اساسی در قوه مجریه امریکا پیش ببرد.

ابزارهای کنترل بیشتر

واقعیت این است که ترامپ در صورت پیروزی در سال ۲۰۲۴ با ترامپی که در سال ۲۰۱۶ پیروز شد، تفاوت قابل توجهی خواهد داشت. ترامپ تا قبل از ۲۰۱۶ تجربه‌ای در زمینه سیاست نداشت. او نه عضو مجلس نمایندگان شده بود و نه مجلس سنا و حتی در سطح ایالتی نیز کار سیاسی نکرده بود. از این جهت، ورود او به کاخ سفید به عنوان چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور امریکا یک اتفاق استثنایی و بی‌سابقه در تاریخ سیاسی این کشور بود. حالا ترامپ یک سیاستمدار باتجربه است و نه تنها تجربه چهار سال ریاست جمهوری دارد بلکه بحران انتخابات ۲۰۲۰ را پشت سر گذاشته و به خوبی دریافته است که هم‌حزبی بودن به معنای وفادار بودن نیست. از این جهت است که اگر او دوباره به کاخ ریاست جمهوری راه یابد، فقط متکی به افراد وفاداری مثل کلارک نخواهد بود و به احتمال زیاد به دنبال روش‌هایی برای تثبیت قدرتش و ساکت کردن مخالفان چه در حزب جمهوری‌خواه و چه در حزب دموکرات خواهد بود. او برای این کار سازوکارهایی دارد. یکی از این سازوکارها نحوه استخدام کارمندان فدرال است که تحت عنوان فهرست اف در اواخر دور قبل ترامپ اجرا شد و جو بایدن به محض ورود به کاخ سفید و با صدور یک فرمان اجرایی آن را لغو کرد. این فهرست به او و عواملش اجازه می‌دهد کارمندان فدرال را به این شرط استخدام کنند که هر وقت بخواهند آنها را از کار بیکار کنند. در واقع، کارمندان فدرال تحت این فهرست همیشه در معرض خطر بیکار شدن هستند و به این دلیل عوامل مطیع‌تری برای سیاست‌های ترامپ خواهند بود. یکی دیگر از سازوکارهای ترامپ مربوط می‌شود به ارتش و نیروهای انتظامی و امنیتی. او تجربه نافرمانی این بخش را در دوره قبل ریاست جمهوری‌اش دارد و حالا می‌داند چگونه با انتصاب وفاداران خود در ارتش و نیروهای انتظامی و امنیتی، این بخش حساس در ساختار حکومتی را مبدل به ابزار سیاسی مطیع خود کند. علاوه بر این، قدرت قابل توجه ریاست جمهوری این امکان را به ترامپ می‌دهد تا با وعده عفو ریاست جمهوری عوامل خود را ترغیب به انجام خواسته‌هایش بکند، حتی اگر خواسته‌هایی غیرقانونی باشد و به این وسیله راه را برای سوءاستفاده از قدرت و فساد اداری باز می‌کند. شکی نیست که این وضعیت طوفانی از شکایت‌های حقوقی از سوی مخالفان را به وجود می‌آورد اما باید گفت ترامپ دست‌کم در این مورد از سال‌ها قبل تجربه دارد و به خوبی می‌داند که چگونه در راه دعاوی حقوقی سنگ‌اندازی کند و با یک جریان طولانی از شکایت‌های متقابل، دادگاه‌های استیناف و تأخیر در محاکم عملاً دست مخالفان را از رسیدن به اهدافشان کوتاه کند. به این ترتیب، ترامپ می‌تواند با ورود مجدد به کاخ سفید نه تنها کنترلش را بر ساختار حاکمیتی امریکا تثبیت کند بلکه حتی این ساختار را مبدل به قدرت مطلقه فردی کند. این چیزی است که امریکا دست‌کم تا به حال تظاهر می‌کرد در مخالفت با آن است اما به نظر می‌رسد راه زیادی نمانده تا خود نیز مبدل به آن شود

> ترامپ می‌تواند با ورود مجدد به کاخ سفید نه تنها کنترلش را بر ساختار حاکمیتی امریکا تثبیت کند بلکه حتی این ساختار را مبدل به قدرت مطلقه فردی کند. این چیزی است که امریکا دست‌کم در مخالفت با آن تا به حال تظاهر می‌کرد در مخالفت با آن است اما به نظر می‌رسد راه زیادی نمانده تا خود نیز مبدل به آن شود